و چیزى از حساب آنان [=ستمکاران‌] بر عهده کسانى که پروا[ى خدا] دارند، نیست. لیکن، تذکّر دادن [لازم‌] است، باشد که [از استهزا] پرهیز کنند. (69) و کسانى را که دین خود را به بازى و سرگرمى گرفتند و زندگى دنیا آنان را فریفته است، رها کن؛ و [مردم را] به وسیله این [قرآن‌] اندرز ده؛ مبادا کسى به [کیفر] آنچه کسب کرده به هلاکت افتد، در حالى که براى او در برابر خدا یارى و شفاعتگرى نباشد؛ و اگر [براى رهایى خود] هر گونه فدیه‌اى دهد، از او پذیرفته نگردد. اینانند که به [سزاى‌] آنچه کسب کرده‌اند به هلاکت افتاده‌اند، و به [کیفر] آنکه کفر مى‌ورزیدند، شرابى از آب جوشان و عذابى پر درد خواهند داشت. (70) بگو: «آیا به جاى خدا چیزى را بخوانیم که نه سودى به ما مى‌رساند و نه زیانى؛ و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده خود بازگردیم؟ مانند کسى که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده‌اند، و حیران [بر جاى مانده ]است؟ براى او یارانى است که وى را به سوى هدایت مى‌خوانند که:» به سوى ما بیا. «بگو:» هدایت خداست که هدایتِ [واقعى‌] است، و دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. (71) و اینکه نماز برپا دارید و از او بترسید، و هم اوست که نزد وى محشور خواهید گردید. (72) و او کسى است که آسمانها و زمین را به حق آفرید، و هر گاه که مى‌گوید: «باش»، بى‌درنگ موجود شود؛ سخنش راست است؛ و روزى که در صور دمیده شود، فرمانروایى از آن اوست؛ داننده غیب و شهود است؛ و اوست حکیم آگاه. (73)